

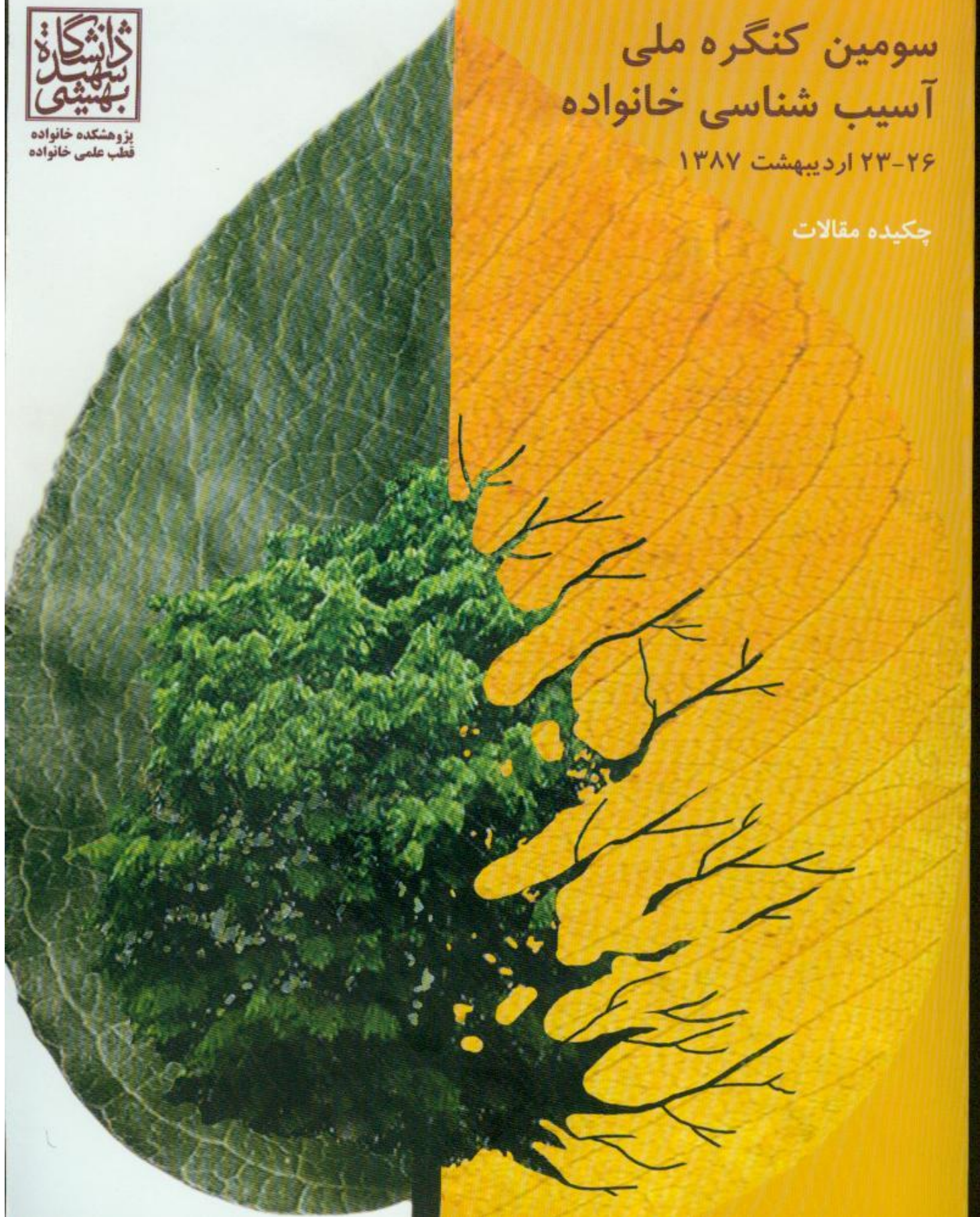


پژوهشکده خانواده  
قطب علمی خانواده

# سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده

۲۳-۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۷

چکیده مقالات



## تأثیر گروه درمانی با رویکرد تحلیل رفتار متقابل بر افزایش هوش هیجانی و سازگاری زناشویی

ملیحه سالاری

دکتر سیدامیر امین‌یزد\*

دکتر بهرامعلی قنبری‌هاشم‌آبادی\*\*

**هدف:** هدف این پژوهش بنیادی - کاربردی، بررسی اثربخشی گروه‌درمانی به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر افزایش هوش هیجانی و سازگاری زناشویی در زوج‌های ساکن شهر مشهد بود.

**روش:** دو گروه هر یک متشکل از ۱۱ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در حالی که گروه آزمایشی تحت ۱۲ جلسه دو ساعته گروه درمانی قرار گرفت؛ گروه کنترل هیچ‌گونه درمانی دریافت نکرد. در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون هر دو گروه با استفاده از دو پرسشنامه "مقیاس سازگاری زن و شوهر" و "پرسشنامه هوشیهر هیجانی بار-ان" مورد سنجش قرار گرفتند.

**نتایج:** براساس نتایج بدست آمده هوش هیجانی زوج‌های گروه آزمایشی نسبت به گروه کنترل به‌طور معناداری در مراحل پس‌آزمون افزایش نشان داده بود ( $P < 0/05$ ). اما تغییر سازگاری زناشویی آنان معنادار نبود. نتایج در قالب نظریه پژوهش که مدعی است افزایش هوش هیجانی در نتیجه مداخلات گروه درمانی به وقوع می‌پیوندد و موجب سازگاری زناشویی می‌گردد، مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته‌اند.

**بحث:** در پژوهش حاضر کارایی و اهمیت رویکرد تحلیل رفتار متقابل مجدداً مورد تأیید قرار گرفت و نقش این رویکرد در افزایش هوش هیجانی و احتمالاً در سازگاری زناشویی مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفت. در تحلیل نتایج بدست آمده می‌توان گفت گرچه هوش هیجانی شرط لازم برای تضمین شادی و سعادت‌مندی زندگی زناشویی است، اما شرط کافی نمی‌باشد. علاوه بر این، سازگاری زناشویی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل متفاوت است که هیچ یک به تنهایی برای ایجاد سازگاری کافی نیست. این عوامل می‌تواند در زوجها و فرهنگ‌های مختلف، متفاوت باشد. با بذل توجه به عوامل مختلف دخیل در میزان سازگاری زناشویی می‌توان انتظار داشت که با افزایش سطح رضایتمندی زناشویی و بهداشت روانی، بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی کاهش یابد. هوش هیجانی سازه‌ای ثابت و غیرقابل تغییر نیست که تحت تأثیر عواملی ارثی و یا سرشتی، رفتارهای اجتماعی و هیجانی فرد را کنترل نماید، بلکه بیشتر قابلیت اکتسابی است که تحت تأثیر مداخلات تربیتی و درمانی می‌تواند ارتقاء یابد. در این تحقیق شیوه گروه‌درمانی مبتنی بر تحلیل رفتار متقابل، به عنوان روشی منظم جهت پرورش قابلیت هوش هیجانی مورد تأیید قرار گرفت و دلایل احتمالی چگونگی اثربخشی آن مورد بحث و تحلیل قرار گرفتند. لذا با توجه به اهمیت و نقش هوش هیجانی در جنبه‌های مختلف زندگی ضرورت دارد تا پرورش هوش هیجانی به عنوان هدفی مهم در مداخلات تربیتی و درمانی مورد توجه روانشناسان، مربیان و خانواده‌ها قرار گیرد.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد